

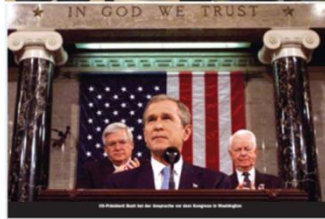
سخت ترین وظیفه در جهان! (بخش پنجم)

یادداشت: این بخش بتاریخ ۲۰۱۴/۱۰/۱۱ نشر شده است، حال، به آدرس "آریانا افغانستان آنلاین"، جهت نشر دوباره تقدیم است.

"افغان ها را نمی توان خرید، اما می توان کرایه کرد. تا حد معین، این کلتور کرایه، در قرن ۱۹ از جانب برتانوی ها عملی شده است، که حال هم رویدست گرفته شده است" (از مصاحبه با



"پروفیسر داکتر گنراد شیتر"، پوهنتون "بن"، در رابطه با "کنفرانس بین المللی در لندن در سال ۲۰۱۰م، در مورد خروج قوای "ناتو" از افغانستان، که موضوع باز نمودن راه "مذاکره" با "طالبان معتدل" و هم چنان موضوع "خریداری" قوماندانان جنگی طالب را در بر داشته است.) آیا "رهبران فعلی هم کرائی نخواهند بود؟" این همه «اجیران» از کجا سازمان یافته اند؟



در بخش های گذشته، علاوه از ارزیابی ها و تحلیل های رسانه های "گروهی" در باره وقایع افغانستان معلومات جمع آوری گردیده است، موازی با آن، از اظهارات مقامات رهبری دولت، به خصوص از اظهارات رئیس جمهور سابق، آقای حامد کرزی هم نقل قول هایی چند صورت گرفته است. از همه برجسته تر، این اظهار به نظر می رسد که از شپیگل نقل شده است: **"افغان ها قربانی یک جنگ خارجی ها در خاک خود، می باشند."**

Zehn Jahre Krieg? (ده سال جنگ؟)

حال بدون اینکه در منجلا ب "جدال علمی" یا "پولیمیک" غرق شویم، به این تصویر و جمله مختصر خبری، توجه نمائید، که در مجله "شپیگل"، شماره (۳۹) تاریخ ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۱م، نشر شده است. این گزارش درست، ۱۳ روز بعد از حملات تروریستی در "نیویارک" و واشنگتن (حمله بر برج های تجارتی نیویارک و عمارت وزارت دفاع ("پنتاگن")), منتشر شده است. عنوان مطلب است: "ایالات متحده آمریکا، **ده سال جنگ**؟". اسمای نویسندگان، بدون تلفظ به زبان های ملی ما، به همان حروف الفباء زبان خود آنها، در قوس تقدیم است: (Von Hoyng, Hans; Ilsemann, Siegesmund von; Koch, Dirk; Mettke, Jörg R.; Spörl, Gerhard). در جمله مقدماتی، "هیأت تحریر" مجله می نویسد: "امریکا می خواهد خود یک نبرد خونین را، بسطج جهانی، علیه تروریزم



به اشتراک متحدان خود، رهبری نماید. اولین اهداف، یاد شده است: رهبر تروریست ها، "بن لادن" (Bin Laden) و طالبان افغانی. آنچه نا مطمئن باقی می ماند، اینست که آیا اتحاد دول پایدار و دوامدار خواهد ماند: واشنگتن از یک اختلاف طولانی و پر تلفات بیم دارد."

متن گزارش را مجله بعد ازین عکس، آغاز می نماید: در قسمت فوقانی تصویر، که دیوار آن با "بیرق پُر ستاره ایالات متحده آمریکا مزین گردیده است، به زبان انگلیسی می خوانیم: **"ما به خدا ایمان داریم."** در پایان عکس با رنگ سفید روی زمین سیاه نوشته شده است: "رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، "بوش" حین ایراد بیانیه در برابر "کنگرس" در واشنگتن" جمله اول "گزارش" با این کلمات آغاز یافته است: **«پلان ها تکمیل است.»**

قوای پیاده، با ماشیندارهای سریع العمل، در پایگاه های شرق نزدیک و شرق میانه، بر کشتی های طیاره بردار و کشتی های دارای میدان های نشست طیارات، به خاطر هجوم، به پا ایستاده اند. اهداف آنها: دشمن درجه یک دولت امریکا، سر رشته دار ترور، "اوساما بن لادن" (Osama Bin Laden) است»

مرور کوتاه بر قسمت هایی از بیانیه "تودییی" رئیس جمهور اسبق، حامد کرزی، به زبان "پشتو" و "دری" چنین افاده شده است: "... ولی امریکا با افغانستان راه صداقت و دوستی را در پیش بگیرد. افغانستان دوست خوب این ها می شود به شرطی که حرف و عمل این ها یکی باشد، اینطور نشود که حرف شان یک چیز و عمل شان چیز دیگری باشد..." در جای دیگر هم در باره افغانها می خوانیم: "... در جنگ بیگانه شهید میشوند..." (سایت مشعل) در ادامه متن هم چنان، در رابطه با پاکستان، به زبان پشتو چنین تذکر داده می شود: "... افغانستان خچه دوه خیزونه غوینتل. یو یی دیورنډ د خط رسمیت غوینتل، چي مور اېدا ورته حاضر نه وو او دویم یی د افغانستان د خارجي سیاست کنترول غوینته، چي هغه ته هم مور اېدا حاضر نه وو..." و یا "... خوزه نن هم درته وایم بیا هم درته وایم، چي جنگ د افغانانو نه دی جنگ د پردو دی مور یکی قربانیان یو او سوله تر هغه نه

Monday, 26 November, 2001, 21:40 GMT

First UK casualties confirmed



Raras were among those put on standby



Afghan interim leader Hamid Karzai, a special guest of the president, was given a standing ovation

راخی، چي پاکستان او امریکا غوینتل نه وی کله، چي دوی و غوینتل بیا راخی، هر یو د خیل هدف لپاره..."

قضایات این همه اظهارات را به خوانندگان محترم می سپاریم، تا در مدت سیزده سال مقایسه نمایند. بهر صورت، درین لحظه "تودییی"، در رابطه با "دوستان" و "همکاران" دولت های که با آنها رابطه داشته است، بوی نوعی از "شک" و "بی اعتمادی"، محسوس است.

اینکه افغانستان از نگاه وضعیت و مشخصات، "قابل اداره" بودن، خیلی "سخت" تعریف شده است، نه تنها در رابطه با "حاکمیت های خارجی"، بلکه برای "زمامداران" داخلی نیز، سخت بوده است، یک تعریفی است نسبی. در مورد اینکه، رئیس جمهور سابق، بنا بر چه دلایلی، به آدرس دوستان خود شان، چنین "اشارات" فرستاده است، مربوط خود اوست. اما می شود سؤالی طرح شود، که احساس و اعتماد او، در فرصت های گذشته که در تصاویر می بینید، چگونه بوده است؟ بر اساس گزارش "سی. ان. ان" در همین عکس که از جریان سفر رسمی (به تاریخ ۲۷ جنوری، روز یکشنبه ۲۰۰۲م وارد واشنگتن شدند. به تاریخ ۲۸ جنوری با رئیس جمهور "جورج دبلیو بوش" دیدار داشته است).



در نخستین دیدار با رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، جانب میزبان چنین اظهار می نماید: " ایالات متحده امریکا مصمم است، تا یک توأمیت دوامدار با افغانستان برقرار نماید." آقای بوش" درین صحبت هم چنان می گوید: "ما به حکومت جدید افغانستان یاری می رسانیم، تا امنیت را در کشور به حیث اساس صلح برقرار سازد."

در مقابل رئیس "هیأت" افغانستان، حامد کرزی، در حالیکه از رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، "جورج دبلیو بوش" و مردم امریکا، به ارتباط حمایت آن کشور از مردم افغانستان، ابراز سپاس می نماید، در جایی چنین بیان می دارد: "افغانستان یک شریک ("پارتنر") خوب است، و شریک خوب باقی خواهد ماند. من معتقدم که آینده این دو کشور خوب و مناسبات فوق العاده خواهد بود که در آینده توقع می رود." همزمان با این کلمات هم چنان با ابراز امیدواری به "جورج بوش" اطمینان داده می شود، که "به کمک ایالات متحده و دیگر کشور ها، افغانستان به یک کشور قوی مبدل خواهد شد."

آنچه جلب توجه می نماید، در گزارش "سی ان ان"، از جریان ملاقات رسمی درین "سفر" است، که می نویسد: " رهبر حکومت مؤقت افغانستان، حامد کرزی، پشتیبانی خود را از فیصله آقای "بوش" اعلام نمود، که به اسیران

توقیف شده، وضعیت و مقام "اسیر جنگی" تضمین نمی نماید. "به ادامه از زبان رئیس "هیأت" افغانستان چنین نقل می کند: " اشخاصی که در "گوانتانامو"، توقیف شده اند، زندانی های جنگ نیستند، آقایان و خانم ها، اینجانب، به آنها، به وضاحت می نگرم. " آنها جنایتکاران اند، آنها در افغانستان وحشیگری نموده، مانند حیوان رفتار کرده اند. مردم ما را به قتل رسانیده اند و وطن ما را ویران نموده اند."

به تاریخ ۳۰ جنوری ۲۰۰۲م (سمت راست عکس پایان، بعد از عسکر برتانوی)، گزارش یافته، این سفر در سطح رئیس دولت، بعد از سال ۱۹۶۳م، سفر پادشاه افغانستان، در زمان ریاست، "جان اف. کیندی"، اولین سفر، به ایالات متحده امریکا، بوده است. وقتی "هیأت حامد کرزی" در یکی از پروگرام های اقامت، داخل یک تالار (کنگرس؟)، می کردند، همه به پا خاسته از وی استقبال گرم می کنند.

عبارت دیگر، بعد از قریب "چهل" سال، چنان "فرصتی" برای هر دو دولت مساعد گردیده است. اصولاً تمام "نمایندگان رسمی"، مطابق "پروتوکول"، مناسبات "دوستی" خود را "تمثیل" می کنند. یک رئیس دولت و یا یک "دیپلومات" متعهد، مکلف است، در گفتار خود، توجه نماید، که مناسبات، بین دولت ها، که در عقب مراسم آنها، مردم کشور ها قرار دارند، "صدمه" نبینند. باید نظر و تصور شخصی خود را، بطور شخصی نزد خود محفوظ نگهداشته بتواند. عکس العمل سفیر امریکا در کابل را که در بخش چهارم ذکر شده است، مجله "شپیگل"، "کم دیپلوماتیک" ارزیابی نموده است. سفیر دلیل موجه داشته است. این صحبت تودיעی و همچو سخنان به آدرس "دوستان" را صاحبانظران، معمول ندانسته اند. چنین عکس العمل با "سختی" وظیفه ایشان کمتر ربطی داشته خواهد توانست.

Thursday, 5 September, 2002, 22:12 GMT 23:12 UK
Attack exposes Karzai's weakness



Many Afghans resent US guards for Hamid Karzai.

Thursday, 5 September, 2002, 18:54 GMT 19:54 UK
Double attack raises Afghanistan fears



One of President Karzai's American bodyguards

"دیپلوماسی" کشور ها، باید از احساسات فردی "انحرافی" و بخصوص از نوع "افراطی" و "باندیتیزم" فاصله گرفته بتوانند.

حال در فضا و محیط و زمان دیگر، در حضور اجتماع دیگر، سؤال می تواند طرح شود که، احساس و اعتماد ایشان نسبت به انجام وظایف همین افراد مسلح، در امر "حفاظت" جان خود ایشان، که چندین مرتبه، مورد سوء قصد واقع شده اند، در برابر با این محافظین چگونه بوده است؟ شخص او را، رهبران همین افراد مسلح انتصاب نمودند، که از کشور های مختلف غربی، عمدتاً از ایالات متحده امریکا بوده اند. قریب دو ماه بعد از عملیات نظامی آنها، در شرایط "پیچیده" بر اریکه قدرت "نشاند" شد، سیزده سال حکومت نمود، که دو دوره آنرا "انتخابی" نامیده اند. (درین عکس



Taliban-Militzen auf einem erbeuteten Panzer (1995)



The Taliban were initially welcomed as restorers of law and order

که در "پشتی" کتاب چاپ شده در "ای بی" برای فروش گذاشته شده است، حامد کرزی را با "لنگی" سیاه و "پتو"، در جمعیتی از "عساکر قوای خاص" ایالات متحده" (۲۰۰۱م) نشان می دهد، که "برای یک افغانستان نو"، جنگیده اند. کسی که ازین راه ها، به قدرت دست یابد، می تواند، "راه سخت" حکومتداری را هم، در پیش داشته باشد.

آیا در آنزمان هم، همه وقت با چنان "سک" و "تردد" سپری نموده است. اگر در حقیقت چنین بوده باشد، پس حتماً شب های حکومت شان "سخت" سپری شده است. در رابطه با اظهارات رئیس جمهور اسبق، در بیانیه تودיעی، سؤالی که یک ژورنالیست در جریان مصاحبه

با "ریچارد هولبروک" در سال ۲۰۰۹م (متوفی: در اواخر سال ۲۰۱۰م)، مطرح نموده بود، توجه را بخود جلب کرد، که درینجا نقل می گردد:



«"شیگل": رئیس جمهور افغانستان، حامد کرزی می خواهد، که کنفرانس بین المللی - افغانستان را در ماه جنوری در کشور خود آنها تدویر و یک دوره جدید، از جانب مجمع متحد دول، به تصویب رسانیده شود، آیا او هنوز هم شریک ("پارتنر") ایالات متحده درین جنگ شناخته می شود؟»



Geoff Hoon praised the elite troops' military expertise 200 men from 40 Commando are being deployed

Saturday, 27 October, 2001, 18:42 GMT 19:42 UK

Marines 'raring to go'



Geoff Hoon: Caves may be attacked

در اولین لحظه، ممکن چنین انتباه حاصل گردد، که گویا او این نتایج را، خود کشف کرده باشد. رژیم های قبلی نیز به عبارات مختلف دیگر چنین جملات اشارتی، که زیادتز جنبه تبلیغاتی داشته است، و بدون شک، برای جلب توجه افکار عامه وطن آنها، به خارج صورت می گرفته است، با صرف نظر از اینکه به ظاهر، جاذب هم جلوه میکند. مانند چنین افاده ها زمانی، "جنگ اعلام نشده" نیز زیاد، یاد می شد. اثرات "مثبت" آن، در مناسبات بین المللی، کمتر "ثبت" تاریخ گردیده است.

وقتی به سلسله اظهارات ذکر شده و نتیجگیری های رئیس جمهور سابق توجه شود، در اولین لحظه، ممکن چنین انتباه حاصل گردد، که گویا او این نتایج را، خود کشف کرده باشد. رژیم های قبلی نیز به عبارات مختلف دیگر چنین جملات اشارتی، که زیادتز جنبه تبلیغاتی داشته است، و بدون شک، برای جلب توجه افکار عامه وطن آنها، به خارج صورت می گرفته است، با صرف نظر از اینکه به ظاهر، جاذب هم جلوه میکند. مانند چنین افاده ها زمانی، "جنگ اعلام نشده" نیز زیاد، یاد می شد. اثرات "مثبت" آن، در مناسبات بین المللی، کمتر "ثبت" تاریخ گردیده است.

در همین مقاله تحلیلی "بی بی سی"، "ملیشه های طالب" نیز دیده می شوند، که بر یک "تانک به غنیمت گرفته" در سال ۱۹۹۵م، عکاسی شده اند. جناب رئیس جمهور سابق در آن زمان، حامی همین "جنبش" و یا افراد "مسلح" شناخته شده، خود نیز "هم صف" این جنگی ها بوده است. به عبارت دیگر، از همان آغاز عملیات، در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م، درین جنگ شامل بوده، بعد از اینکه به حیث رئیس حکومت یا اداره مؤقت تعیین می گردد، هم چنان بر ادامه این "جنگ"، خود حتی قبل از انتقال قدرت، (۲۲ دسمبر ۲۰۰۱م) تأکید به عمل می آورده است.

آیا در آن وقت هم با این طرز افاده، معتقد بوده است؟ درست است، که بعد از آغاز عملیات "هوایی" به حمایت "اتحاد بین المللی" در "جنگ علیه تروریسم"، که قوت های "خاص" آنها، مشترکاً با واحد های "اتحاد شمال"، مصروف جنگ بوده اند، حکومت "تونی بلیر" در انگلستان، تصمیم خود را مبنی بر اعزام قوای "جنگی" برای حملات "زمینی"، قریب سه هفته بعد، بتاریخ ۲۶ اکتوبر ۲۰۰۱م، اعلان داشته است. در آن زمان صدراعظم "تونی بلیر" (Tony Blair) مدعی شده است، که: «تصمیم محول نمودن وظیفه برای قوای پادشاهی متحد، جهت حملات زمینی در افغانستان، ساده نبوده است. اما "بن لادن" باید قبل از اینکه به سلاح "هسته یی" دست یابد، متوقف گردد...» به ادامه "آقای بلیر" می گوید، که در این حرکت یک "مسئولیت عظیم" نهفته است.

این امر باید انجام یابد، تا از "ارزش های متمدن" در سراسر جهان دفاع شده باشد. کلمات "تونی بلیر" را چنین نقل می کند: "این نبردی است که ما باید در پیش بگیریم، به خاطر دفاع از ارزش های متمدن در همه جا و برای جهان آزاد." او با تأکید تکرار می نماید: "هر گاه "بن لادن" و "شبکه تروریستی القاعده" او متوقف ساخته نشود، هوشدار داده شده است، که خطر بدست آوردن سلاح های "کیمیایی، بیولوژیکی و حتی اسلحه هسته یی تخریب کتلوی و جمعی" متصور است. درین رابطه به توضیح ادامه داده می گوید: "اگر به آنها اجازه داده شود، که به چنین عمل

نایل آیند، جهان ما در یک حالت غیر مصوون و غیر محفوظ قرار خواهد گرفت، و هیچ کنج جهان - بطور جداگانه، محلی چون برتانیه- وجود نخواهد داشت، که بدون ضرر آنها، بماند."

Monday, 3 December, 2001, 13:45 GMT

Coalition troops 'prepare Tajik bases'



US: more prominent in Uzbekistan and Afghanistan

Sunday, 2 December, 2001, 18:32 GMT

Access to Afghan survivors sought



The aftermath of the revolt prompted an outcry

داشته است. (توجه: در دیدار با رئیس جمهور جدید هم چنان صدراعظم فعلی برتانیه اولین رهبر غربی بوده است، که به افغانستان سفر نموده است.)

همین "تونی بلیر"، اولین سیاستمدار و از صف رهبران "غربی" بوده است، که با اولین رئیس اداره جدید موقت، حامد کرزی در "بگرام" دیدار

یک روز بعد از خبر قبلی، درست به تاریخ ۲۷ اکتوبر ۲۰۰۱م، دقیق ۲۰ روز بعد از آغاز "عملیات"، "بی بی سی"، با پخش این تصویر، گزارش می دهد، که "قوای بحری مشتاق رفتن" می باشند. قرار است، "کومانو های، قوای بحری شاهانه، مغاره ها را تحت هجوم قرار دهند، تا "بن لادن" را بیابند. (درین عکس "آقای هون" (Mr Hoon) با عساکر در "عمان" (Oman) دیده می شود). "آقای هون" که مصروف دیدار عسکر آن کشور در "عمان" بوده است، اظهار می دارد، که اگرچه "یک هفته" بعد، عساکر به "افغانستان اعزام خواهند شد، لیکن "حال مشتاق" رفتن استند. او هم چنان می گوید: "ما نیازمند آنیم، تا چنان فشار وارد آوریم، تا او ["بن لادن"] و حامیان او فرصت نیابند که در اطراف و اکناف کشور حرکت نمایند." (وزیر دفاع یا "سیکریتری")

یکی از جمله تأثیرات و مشخصات "بحران" اخیر افغانستان، در تفاوت صریح با تاریخ کهن ما درین است، که اگر



US Luftwaffeinsatz in Nordafghanistan: Schlage gegen den Hort des weltweiten Terrorismus

در سابق می گفتند: "اشغال افغانستان ساده، اما حفظ آن دشوار است." بنا بر همین برداشت، بسیاری از صاحب نظران "غربی" و افغانی، در ذهن و تصور شان، حین مرور بر تاریخ این کشور، همیشه از "سه جنگ افغان و انگلیس" و هم "شکست و یا عقب نشینی اردوی شوروی"، به عنوان نقاط برجسته "سلحشوری" و "مقاومت مردم" این سرزمین نیز یاد می کنند. در عین حال وقتی در این مورد جریان صحبت های شخصی و خصوصی، تعدادی از شخصیت های سیاسی کشور را به یاد می آورم، بدون تقلیل و تنقیص، همواره در یاد آوری از "شجاعت" و "غیرت" پدران فرزندان، این کشور، یاد می کردند، که گویا "در جنگ برنده"، اما در "سیاست بازنده" بوده

اند. وقتی تفصیل چنین موضوع خواسته می شد، "معیار" برندگی و یا بازندگی در سیاست، برای اکثریت آنها، سهم "وابستگان اینتی های" معین در اداره - سیاسی مطرح بوده است. بخصوص وقتی مجله "شپیگل"، این کشور را در یک مقاله، "قبرستان قدرت های بزرگ" نامید، بدون شک که تعداد، بی شمار ممکن با مطالعه آن، احساس غرور نموده باشند. درین گزارش خواهیم دید، که این جنگ، چگونه به پیش برده شده است.

تا حدی محسوس است، که بعد از ختم دوره سیزده ساله "حامد کرزی"، از لحظات پدیدار شدن او به صحنه سیاسی، از "آغاز"، تا "وداع"، حریفان و مخالفین" او حتماً تلاش خواهند داشت، تا همه "نا رسایی ها" را متوجه "نقش او"

سازند و "هوادران" او هم ممکن برخلاف در فکر "برجسته ساختن دست‌آورد های" همه فعالیت های این دوره باشند، تلاش نمایند، تا در صورت امکان همه را به نقش او منسوب سازند، در عین حال هم چنان، ممکن تلاش ورزند، که در مورد "نارسیایی ها"، راه های "تبرئه" نیز جست جو، نمایند. تاریخ کشور نمونه های زیادی را می شناسد، که در تفاوت با کشور های متمدن دنیا، به جای "توضیح" همه جانبه مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، بیشتر موضوعات بحث بر اشخاص و "خانواده ها" متمرکز ساخته می شود. در حقیقت اگر، وقوع همه حوادث، بصورت واقعی از اسناد تاریخی با در نظر داشت تسلسل زمانی آن در نظر گرفته شود، ممکن است، تصویر دیگری حاصل گردد. (این تصویر از مجله "شپیگل" که به تأیخ ۲۰۰۱/۱۱/۱۹ نشر شده است، اخذ گردید. یک نمونه از موجودیت قوای هوایی امریکایی در شمال، در همکاری با "اتحاد شمال" این هم نمونه مشترک جنگ و "بین المللی" بودن، بحران افغانستان شمرده شده می تواند. بناءً شعار ها و شکایات حلفات حاکم افغانستان، در تحت کلمه "خارجی" جز عوامفریبی، چیز دیگری نخواهد بود.)

چنین یک تصویر باید، محصول خدمات هر فرد را، با نامش بشمارد. فراموش نه نمایم، که پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، که در عین حال "جنگ داخلی" در افغانستان "ادامه داشته" است، مشی "نظامی - سیاسی" قدرت های بزرگ، هیچ نوع انکشافات مهم "مستقل"، از نوع "اجرات" را در ساحات مهم "سیاسی" نظامی، درین کشور، خارج از کنترول "قدرت" های خود نداشته اند. مگر نمی دانیم، که "عملیات نظامی" وسیع به تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م شروع شد. در آن زمان این "جنگ" چگونه "تعریف" شده بود؟

ادامه دارد...



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

سخت ترین وظیفه در جهان (بخش پنجم)

Yusufi_akbar_sakht_tarin_wazifa_dar_jahaan_۰.pdf